

تغییر توحیدی جهان، به جای تفسیر مدرن جهان

سال سوم * شماره هشتم * فروردین ۹۴

ماهنامه فرهنگی - علمی و سیاسی عهد / دانشگاه اصفهان

پیرامون فرهنگ توحیدی انقلاب اسلامی

قیمت ۵۰۰ تومان (اختیاری)

عهد

همدلی و همزیایی دولت و ملت
یا دولت و احزاب



سلام



سرمقاله

همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت یا دولت و احزاب

امام خامنه ای هر ساله با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های نظام اسلامی، اهم مسائل کشور را به عنوان شعار سال مطرح می‌نماید. این شعارها، مراحل و گام‌های تکامل فرآیند انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد که در صورت عمل نکردن به آن‌ها انقلاب اسلامی به تمامیت خود به ظهور نمی‌رسد و در رسیدن به اهداف خود عقیم و ناکام خواهد بود.

امسال نیز ایشان نام «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی» را برای شعار سال برگزیدند. در تفصیل این نام، لازم است نکاتی را متذکر گردیم.

۱. بدون تردید رابطه‌ی دولت و ملت باید صمیمانه باشد، اما در شرایطی که نظام اسلامی با چالش‌های متعددی مواجه است، وقتی امام امت این نام را برای امسال بر می‌گزینند، این مهم بیانگر وجود شکاف بین ملت و دولت است. اگر که رابطه بین ایشان شایسته نظام اسلامی بود، نام‌گذاری سال بدین نام هم هیچ مناسبتی نداشت. ایشان ملت را کارفرما و دولت را کارگزار مردم و نه کارگزار احزاب خوانده‌اند. بنابراین دولتمردان بایستی خضعانه در راستای خواسته

تغییر توحیدی جهان، به جای تفسیر مدرن جهان

ماهنامه فرهنگی- علمی و سیاسی عهد/ دانشگاه اصفهان
سال سوم* شماره هشتم* فروردین ۸*۹۴ صفحه
پیرامون فرهنگ توحیدی انقلاب اسلامی
قیمت: ۵۰۰ تومان (اختیاری)

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوَرَةِ وَالْأَنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه-۱۱۱)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سعاد محمدی

سر دبیر: فرزانه صالحی

هیئت تحریریه:

آقایان: حسین فرج زاده

خانم‌ها: محمدی، زارعی، اسدیان، عربیان

ویراستار: محسن نوروزی

در صورت تمایل می‌توانید مقالات خود را به پست الکترونیکی ما ارسال کنید تا پس از بررسی، مقالات منتخب شما در نشریه چاپ شوند.

وب نوشت:

ahd57.blog.ir

پست الکترونیکی:

ahd.57@chmail.ir

.. پذیرای نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما هستیم ..

این نشریه با حمایت مادی و معنوی اداره کل امور فرهنگی دانشگاه اصفهان چاپ و منتشر می‌شود.

فهرست

- همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت یا دولت و احزاب ----- ۲
- جایگاه و اهمیت تفکر و کرسی‌های آزاداندیشی ----- ۴
- چیستی تمدن اسلامی ----- ۵
- اعتکاف اهل علم ----- ۶
- تزکیه نفس؛ توبه یا بازگشت به سوی حضرت الله ----- ۷

ندارد، همان گونه که ایشان هم یکی از عوامل نصرت الهی را امر به معروف و نهی از منکر و بالاترین معروف را حفظ نظام و عزت و آبروی ملت ایران و مجاهدت برای اقتدار ملت ایران و امت اسلامی و بالاترین منکر را تضعیف نظام اسلامی ذکر نمودند. وظیفه ی تک تک ملت مسلمان ایران این است که برای این مهم تلاش نمایند و در مقابل هر کس با هر نام و عنوانی که عامدانه و یا جاهلانه قصد تضعیف نظام اسلامی را دارد، بایستند.

سعادت محمدی

خواهند برد.

اما جای پرسش است که دولت و ملت در چه چیز باید همدل و هم‌زبان باشند؟ اتحاد جایی معنا پیدا می کند که در اصول اشتراک وجود داشته باشد. بنابراین **همدلی باید بر سر اصول و آرمان های انقلاب اسلامی باشد**. اتحاد در استکبارستیزی، عدالت طلبی، عزت و اقتدار اسلامی، استقلال کشور، توحید و وحدت اسلامی و **تشکیل حکومت جهانی مستضعفین** معنا پیدا می کند. امام خامنه ای در دیدار اقدار مختلف مردم به مناسبت هفته وحدت فرمودند:

«همه باید وحدت را بر محور اصول انقلاب و جریان صحیح نظام اسلامی و ولایت فقیه حفظ کنند. این، اساس قضیه است. اگر وحدت با انسجام و استحکامی که تاکنون بوده است، محفوظ بماند، مطمئناً این ملت و کشور به هدف های انقلاب خواهد رسید.»

هم دولت در پیگیری اصول و آرمان ها باید حامی ملت باشد و هم ملت باید دولت را حمایت و پشتیبانی کند. وقتی ملت می خواهد و می تواند در مقابل زر و زور و تزویر مقاومت کند، دولت نباید کاری کند که این مقاومت درهم شکسته شود.

در پایان باید بدانیم که انتقاد بجا و شایسته و اصولی از دولت حق و تکلیف مردم است و هیچ منافاتی با بیانات امام خامنه ای

ملت خدمت رسانی کنند و اصلاً شأن دولت هم، همین است. لذا خواسته ها و منافع احزاب و جناح ها نباید در برنامه ریزی های دولت در سطوح و لایه های مختلف جایگاهی داشته باشد.

همچنین تمام اتکاء و نقطه ی امید دولت باید به قدرت لایزال الهی و جوانان و سرمایه های داخل کشور باشد و با ایمان به خدا از هیچ چیز و هیچ کس نترسد که «الله اکبر» نیز همین معنا را در خود دارد. هر چیزی در پیشگاه خداوند قهار پیشیزی نیست و اگر ما از هر چه غیر خدا بترسیم، بدانیم که **مشرك هستیم زیرا غیر الله را در عالم وجود مؤثر دانسته ایم** (لا مؤثر فی الوجود الا الله). ملتی که امیدش به بیرون باشد خوار و زبون و ناامید می گردد.

۲. ایشان همچنین همگان را متوجه کینه توزی شیطان بزرگ و هم پیمانانش نموده اند. دشمنان نظام اسلامی همواره مترصد فرصتی برای ایجاد اختلاف بین مردم و نظام هستند، تا از این نمذ برای خود کلاهی بدوزند. **برای دنیای استکبار مهم نیست که کدام جناح بر سر کار باشد، آن ها با اسلام و هر آن چه که رنگ و بوی اسلام بدهد سرستیز دارند و تا همه ی نام و نشان آن را از بین نبرند، از پا نخواهند نشست** که این خیال باطل را با لطف و عنایت الهی به گور

ملت

عرفان و معرفت

اعتکاف اهل علم

به راستی اعتکاف اهل دانش در عصر غیبت امام و در زمان انقلاب اسلامی چگونه خواهد بود؟

اعتکاف یعنی از همه آن چه بیرون است بریده شوی و در محضر و حریم خانه خدا حضور یابی، آن گونه که دیگر هیچ چیز و هیچ کس را نبینی و همه او باشد. نماد آن، سه روز است اما وسعت آن به اندازه وسعت تمام زندگی انسان در بیرون از خانه خداست. در حقیقت مسئله این است که بشر در همه مکان ها و زمان ها معتکف است ولی گاهی به دلیل فراموشی ذاتی از «عهد است...»، به کثرت ها و غفلت ها رو می نماید. و حال اعتکاف ما چگونه است در عصر سبطه کمیت...؟!

آن جا که سربه سجده علوم غربی نهاده ایم، آن جا که قبله گاه آمال و آرزوهایمان به پرستش علوم انسانی غربی است، چگونه با آن روح می توان معتکف شد، و اگر این چنین باشد و ما با روح عالم دکارت معتکف شویم، «شیطان را خنده می آید ز استغفار ما...»

حقیقت و روح تفکر غرب را باید بست و دل را در سرچشمه تفکر توحیدی شستشو داد و آن گاه معتکف شد. اگر اهل علم چنین قصدی نکنند اعتکاف بازچه ای

وارد زندگی انسان کنونی می شود و زندگی، روح اسلامی می گیرد و قلب، آماده ی ظهور تام حضرت مهدی می شود، و اگر چنین نباشد اعتکاف صد ساله هم که برویم تحوّل در عالم رخ نخواهد داد. خدا زمانی به امام اجازه ظهور تام می دهد که بشر حداقل قلبش آماده باشد. خدا می داند به دلیل سستی هایی که اهل حق روا داشتند، بشر یکبار که نه، چندین بار در امتحان دفاع از ولایت مردود شده و ولایت از پشت درب خانه زهرا تا صحرای سوزان کربلا، زندان های سخت هارون و اردوگاه عسگری فراتر نرفت و حال در تاریکی قرن ۲۱ میلادی و ۱۴۰۰ هجری قمری و ۱۳۰۰ هجری شمسی پرچم دار ولایت، پرچم تولید علم را در حیطه علوم انسانی و... برافراشته و حکم جهاد علمی و فرهنگی داده است. این عصر، دورانِ از ریشه اصلاح کردن است و خلاصه این که اعتکاف اهل علم زمانی حقیقت پیدا می کند که ایشان چاره ای برای کفر پنهان کنند.

سُرعتکاف این است...

والسلام

بیش نخواهد بود که با آن نفس، چند روزی سرگرم می شود و با یک منیتِ جدیدتر، سرشار از کالری غرور، از مسجد خارج می شود و می خواهد بر بندگان خدا، خدایی کند... چون در دنیایی که غرب برای همه ی بشر سوغات آورده، آن قدر سرگرمی و تنوع هست که او نیاز به خلوت و اعتکاف را نمی فهد. از طرفی دیگر، زمان عزلت نشینی های چند ماهه و چند ساله ی صوفیانه در کوه ها و غارها گذشته است. امروز ما در عصر انقلاب اسلامی زندگی می کنیم و روح انقلاب، اعتکافی در خور عالم توحید محض می پسندد و اگر چنین شد، انسان در هر مکان، ایستاده یا نشسته، خوابیده یا بیدار، در حال خوردن یا آشامیدن و در هر حال که باشد، در حال عبودیت حق است و در محضر خدا بودن را به جان می فهمد و این یعنی ظهور عملی اعتکاف...

ظهور عملی اعتکاف چگونه است؟؟؟

آن زمان است که اصل و اساس زندگی بر اساس تفکر و روح مدرنیته یا پست مدرن نباشد و این هدف فقط با تولید علم و تحوّل در علوم انسانی میسر است و اگر چنین شود، علوم انسانی توحیدی عملاً

تمدن

چیستی تمدن اسلامی

تمدن اسلامی و الهی آینده را نمی توان تصویر کرد و یا به صورت تئوری بیان نمود. اما چیزی که معین و مشخص می باشد این است که تمدن اسلامی آینده همانند تمدن امروز و نظامات حاکم بر آن نیست. نیک تر این است که بگوییم، تمدن آینده نمی تواند هیچ یک از تمدن های کنونی و دیگر تمدن هایی که در طول تاریخ بشر به وجود آمده و نابود شده اند باشد چرا که از ویژگی های تمدن اسلامی پاسخگویی همه جانبه به ابعاد وجودی انسان است و دیگر آن که در صورت تحقق آن تمدن، تمامی فطرت ها مجذوب آن می شوند که این گرایش عمومی به این دلیل می باشد که انسان و فطرت او کمال طلب است و از جهتی تمدن آینده، پاسخگوی همه ابعاد وجودی اوست. لذا فطرت کمال جو، تکامل و کامل شدن خویش را در این چنین تمدنی می یابد و به سویی گرایش پیدا می کند. بنابراین ما معتقدیم تمدن توحیدی که شیعه واقعی در آینده تاریخ رقم خواهد زد این چنین تمدنی است.

در اعتقاد بر وجود و عدم وجود چنین کسی است.

مریم اسدیان

از طرفی شرایط موجود در جهان و سردرگمی و ناکامی تمدن ها از جمله غرب به عنوان یکی از مدعیان حاکم بر جهان نشان می دهد که هنوز بشر به آن چیزی که می خواهد نرسیده است. از طرفی دیگر، انقلاب اسلامی از بدو ظهورش با هدف و اندیشه تحقق تمدن اسلامی حرکت کرده و در این مسیر هرچند با سرعت کم، گام های مؤثری برداشته و در مقطعی هم دچار مشکلات و انحرافات شده، اما همواره جهت گیری آن به سوی تحقق چنین هدفی بوده است. اعتقاد بر این است که تمدن اسلامی با حکومت حاکم بر ایران تفاوت های بسیار بزرگ و فاحشی دارد اما به این مهم هم معتقدیم که تمدن آینده جز با آزمون و خطا محقق نخواهد شد و شیعه روزی بعد از گذر از این آزمون و خطاها سرانجام به آن چیزی می رسد که همه انسان ها و فطرت ها می خواهند و در این راه از یک منجی که واسطه فیض آسمان بر زمین است مدد می گیرد که می توان گفت تفاوت شاخص و اصلی تفکر شیعه با دیگر تفکرها

تفکر جایگاه و اهمیت تفکر و کرسی های آزاداندیشی

نهضت علمی و آزاد اندیشی، فراخوان تاریخی از دل انقلاب اسلامی است که بشر را دعوت به تفکر و خود باوری می کند. تفکر، اسلحه مهمی است که اگر از آدمی گرفته شود آن چه برای او باقی می ماند جزمشتی اطلاعات که در لحظه مرگ همه را به دنیا می سپارد و سفر می کند نخواهد بود. با تفکر است که همه آموخته های بشر در قلب و جان او نهادینه می شود و در نهایت این بشر متفکر است که می تواند در همه حوزه های علمی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... ارائه نظر نماید و مخاطبین خویش را برای شنیدن آراء خود دعوت کند. **اگر یک جامعه بدون تفکر زندگی کند عمر کوتاهی خواهد داشت، چرا که جمود و سرخوردگی بر چنین اجتماعی سایه افکنده و به زودی دستانی غارتگر بر آن ها هجوم می آورند و بنیان های ایشان را ویران خواهند کرد.** در این جامعه، انسان ها به دلیل آن که بر مبنای صحیح

و پویا رشد نیافته اند، اکثرشان از این مهم غافل هستند که اُس و اساس زندگی آن ها بر چیست و برای چیست. پس چنین انسان هایی چگونه می توانند اهداف و آرمان داشته باشند و اگر بپذیریم که هدفی دارند هر چند ضعیف، چگونه می توانند از آن دفاع کنند؟ تفکر و اندیشه و فرهنگ یک جامعه است که موجب تشکیل تمدن خواهد شد و هر تمدنی به میزان قوت و بنیه تفکری که شیره جانش را به خورد آن داده است، عمر می کند. پس جایگاه تفکر به این اندازه اساسی و سرنوشت ساز است. اندیشمند دلسوز نقطه اعتلای جامعه است و مورد احترام همه ملت ها.

جایگاه اندیشه را شناختیم و اندیشمند دلسوز و خدوم را مقدس پنداشتیم اما اگر هر کس به دلخواه خود اندیشه ای را بپذیرد و در زندگی اش حاکم کند و بدون نقد و بررسی با جان خود بچشد، آن گاه یک جامعه منحط و بی ثبات خواهیم داشت که هر لحظه ممکن است از هم بپاشد و هر بار برای درمان اقتصاد و سیاست و فرهنگ آن جامعه باید نسخه ای پیچید و این کار بیهوده تا لحظه مرگ این اندیشه که منجر به شکل گیری تمدنی مریض شده است ادامه خواهد داشت. اما سؤال این است که اکنون چه باید کرد؟ آن چه مسلم می باشد این است که، نخبگان و فرهیختگان یک جامعه باید با هدف اصلاح و تولید فکر، نظریات موجود را نقد و بررسی کنند تا از دل چنین گفتگوها، مباحثات و نقد و بررسی ها، حق خود را نمایان کند و مسیر تعالی به وضوح عیان گردد.

مهد چنین انسان های متفکر و نخبه، حوزه و دانشگاه است. دانشگاه و جنبش دانشجویی اصیل ادامه در صفحه ۸



تزکیه نفس؛ توبه یا بازگشت به سوی حضرت الله

خداوند می‌گردد، البته نکته بسیار مهمی در توبه نهفته و آن این است که زمانی که انسان توبه می‌کند قبل از آن و بعد از آن، از سوی خداوند توبه صورت می‌گیرد. یعنی ابتدا خداوند به سوی انسان توبه و نظر می‌کند و بعد از توبه و نظر کردن خداوند، انسان به خود می‌آید و از گذشته خود پشیمان می‌شود و توبه می‌کند. پس ابتدا خداوند توبه و نظر به سوی بنده می‌نماید، نظر کردن خداوند به سوی انسان باعث می‌شود نور یقظه در وجود انسان تجلی کند و انسان از خواب غفلت بیدار گردد و از گذشته خود پشیمان و نادم گردد و از هر آنچه خلاف فرمان خداوند بوده توبه نماید، در این جا انسان باید توبه اش را با شرایط انجام دهد، یعنی مراحل توبه را قدم به قدم به جا بیاورد. پس از آن که تمامی شرایط توبه انجام گرفت، توبه ی دوم یعنی نظر دوم از سوی خداوند صورت می‌گیرد و خداوند دوباره به بنده بازگشت و نظر می‌کند و توبه اش پذیرفته می‌شود. البته نباید گمان کنیم توبه و شرایط آن دشوار است زیرا این

همان گونه که انسان قدم به قدم از خدا دور می‌شود و دچار گمراهی می‌گردد. بر این اساس هر چه قلب و روح انسان آمادگی بیشتری داشته باشد، بیشتر تحت تاثیر انوار و الطاف الهی قرار می‌گیرد و یقظه و بیداری بیشتری نصیبش می‌گردد. یکی از مواردی که می‌تواند کمک زیادی در این امر به انسان کند، مطالعات گسترده و کثیر در این موضوعات است که منجر به کسب معرفت و شناخت بیشتر نسبت به این مسیر و خطرات آن می‌شود.

زمانی که یقظه برای انسان حاصل گردید، نشانه بعدی آن است که از گذشته ی خود پشیمان می‌شود و دوست دارد مسیر زندگی اش را تغییر دهد و تحولی اساسی در وجود خود ایجاد نماید، البته باید دقت نمود که این امر با عجله و بی صبری محقق نمی‌شود بلکه یکی از لوازم این مسیر صبر است، زیرا عجله باعث خستگی و ناامیدی انسان از ادامه مسیر می‌شود. پشیمانی و حسرت از اعمال گذشته، زمینه های توبه را برای شخص فراهم می‌کند و منجر به بازگشت به سوی

بعد از یقظه، اولین قدم در سلوک الی الله، توبه است. البته توبه را هم می‌توان قدم اول به حساب آورد، هم قدم دوم. در واقع اگر یقظه را اولین قدم سلوک بدانیم، توبه قدم دوم محسوب می‌شود ولی اگر یقظه را مقدمه سلوک الی الله بدانیم، توبه قدم اول و منزل اول به حساب می‌آید. توبه یعنی بازگشتن به سوی خداوند از معصیت، شرک، غفلت و از خود، که مانع ارتباط با حضرت حق می‌شود. البته توبه مراحل و مراتبی دارد که انشاء الله در مقاله بعدی شرح داده می‌شود. زمانی که نور یقظه در وجود سالک تجلی می‌کند، سالک راهی جز حرکت به سوی الله ندارد. در واقع تا یقظه حاصل نشود توبه ای صورت نمی‌گیرد، زیرا انسان باید از خواب غفلت بیدار گردد تا متوجه شود مسیری که در آن سیر می‌کند چیزی جز شقاوت و گمراهی به دنبال نخواهد داشت. البته باید به این نکته توجه نمود که یقظه کم کم در انسان ایجاد می‌گردد و نباید دنبال این باشیم که به صورت دفعی و به طور کامل متحول شویم.

طالب حق و حقیقت باشیم، مطمئناً خداوند ما را در این صورت هدایت و از خواب غفلت بیدار می‌کند اما این بیداری از خواب غفلت به میزان طلب و خواسته‌ی خودمان برمی‌گردد. پس چاره‌ای نداریم جز آن که از خود حضرت الله بخواهیم ما را از خواب غفلت بیدار کند و از جمله توابعین واقعی قرار دهد.

حسین فرج زاده

نمی‌توان مستحق الطاف الهی گردید. خداوند رحمان، لحظه به لحظه در حال توبه و نظر کردن به همه‌ی انسان‌هاست، اما ما انسان‌ها هستیم که با معصیت و نافرمانی از اوامر الهی، مانع آن می‌شویم تا الطاف الهی شامل حالمان گردد و گرنه خداوند دائماً در حال فیض‌رسانی به مخلوقاتش می‌باشد و کافی است که ما ذره‌ای در وجودمان

از دسیسه‌های شیطان است تا انسان را از راه سعادت دور نماید. باید نگاهمان به خداوند متعال باشد و بدانیم، خداوند کریم و غفور است و تنها از ما می‌خواهد به سوی او یک قدم برداریم، قطعاً او خودش کمک می‌کند و تمامی موانع را از سر راه ما برمی‌دارد. پس باید به خود بیاییم و از گناه و غفلت دست بکشیم و بدانیم با وجودی سرشار از گناه

ادامه از صفحه ۶

خوبش بوده و از ارادتمندان او هم محسوب می‌شده. این مهم‌را هم باید گفت که حتی بزرگان حوزه به یکدیگر اشکال وارد می‌کردند. قدر مسلم این فضای باز برای ارائه نظرات موجب می‌شود که اندیشه‌ها رشد کند و به جایی برسد که برترین اندیشه‌ها در بهترین فضای ممکن مطرح شود و افرادی حق‌جو در پی تحقق این اندیشه‌های ناب برآیند.

نسرین زارعی

خوبش را اظهار نمایند. حوزه‌های علمیه نیز به دلیل پیشینه تاریخی که دارند به خوبی می‌توانند در این زمینه ایفای نقش کنند. فضای حوزه برای این اساس بوده است که استاد درس را مطرح می‌کرده و شاگرد جوان در وسط درس بلند می‌شده و نظری مخالف رأی استادش مطرح می‌کرده و هیچ‌کس از شاگردان تا خود استاد کمتر خورده‌ای به او نمی‌گرفتند. در حالی که این فرد مرید استاد

به دلیل برخورداری از شاخص‌های ذاتی و ممتاز خود (جوانی، برآمدن از حوزه‌های علمی، آکادمیک و استقلال از جریان‌های حزبی و جناحی) و گستردگی و تأثیرگذاری اجتماعی آن می‌تواند مکان بسیار مناسب و فراخی برای مناظرات و تبادل اندیشه‌ها باشد. این قشر جوان کشور وظیفه دارند که نظرات خود را بدون نگرانی و در فضایی باز و صمیمی مطرح کنند و فکرها و اندیشه‌های پویای

کتاب آداب الصلوة، نوشته معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد و این کتاب شرحی است مبسوط بر آداب و اسرار معنوی نماز، و سرشار است از نکات ناب اخلاقی و عرفانی. امام عزیز درباره این کتاب چنین می‌فرمایند:

«پیش از این رساله‌ای فراهم آوردم که به قدر میسور از اسرار صلاة در آن گنج‌انیدم. و چون آن را با حال عامه تناسبی نیست، در نظر گرفتم که سطری از آداب قلبیه این معراج روحانی را در سلك تحریر در آورم، شاید برداران ایمانی را از آن تذکری و قلب قاسی خود را تآوری حاصل آید.»

